



## نقشه راه صلح جالتمآب محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

### مالکیت صلح:

ما همه روزه شاهد فاجعه هستیم، بطور اوسط روزانه صد تن افغان از اقشار مختلف کشته می شوند. پیمانۀ تشدد تحمیل شده بالای ما یک تراژیدی می باشد.

افغان ها در مقابل این فاجعه چگونه عکس العمل نشان داده اند؟ آیا ابراز ناامیدی کرده اند؟ نخیر، افغان ها به صورت عاجل اراده کردند تا یک صلح پایدار و همه شمول به میان بیاید. نه صلحی که با امضا کردن روی کاغذ بیاید، بلکه صلحی که بتواند به چالش ها و خشونت های چهار دهه گذشته نقطه پایان بگذارد.

اجازه بدهید تا فرق میان استعجالیت واقعی و غیر واقعی را برای تان واضح سازم. استعجالیت غیر واقعی اقداماتی عجولانه و بدون مسیر است، که بدون موقع سیاسی و یک مسیر واحد انجام می شود. استعجالیت غیر واقعی برای رسیدن به صلح یک راه پر از مخاطره می باشد، از این استعجالیت باید امتناع صورت گیرد.

عجله واقعی آنست که تمام تمرکز ما روی این باشد که چگونه صلح پایدار به میان می آید. این نوع استعجالیت برای ما فرصت می دهد تا به مسائل حساس توجه نماییم، چالش های خود را درک و مسئولیت آن را به عهده بگیریم، و از گذشته خود و تجارب جوامع دیگر درس بگیریم. تمام ابعاد صلح به فکر دقیق و سنجیده نیاز دارد، اما باید جرات قبول خطرات و به عهده گرفتن مسئولیت پروسه صلح را نیز داشته باشیم.

در نتیجه این نوع فکر ما خواهیم توانست برای چنین یک پروسه برنامه و استراتژی بسازیم که بر اساس یک جامعه مردم سالار زمینه ثبات، امنیت و انکشاف همه شمول فراهم گردد.

حکومت وحدت ملی برای رسیدن صلح در حال استعجالیت واقعی است. از سال ها بدینسو ما این عجله را داشته ایم، و قبل از قبل در پنج سال گذشته زمینه رسیدن به صلح پایدار را مساعد ساخته ایم. پیشنهاد صلح در ۲۸ فبروری ۲۰۱۸ یک نمونه این استعجالیت می باشد. ما پیشنهاد مذاکرات صلح را بدون قید و شرط، کردیم.

بادرنظرداشت نکات زیر ما پیشنهاد نمودیم تا طالبان بخش یک جامعه همه شمول و مردم سالار شوند.

1. بر اساس قانون اساسی تامین مکلفیت های تمام اتباع به خصوص زنان؛
2. قبولی قانون اساسی و یا تعدیل آن بر اساس احکام قانون اساسی؛
3. پیشبرد فعالیت های خدمات ملکی و نیروهای امنیتی و دفاعی بر اساس قانون؛

4. اجازه ندادن به، فعالیت گروه‌های مسلحی که با شبکه‌های تروریستی خارجی، سازمان‌های مخرب خارجی، نهادهای دولتی و یا غیر دولتی رابطه داشته باشند و در جستجوی نفوذ در افغانستان باشند.

برای رسیدن به این هدف افغانستان باید مستقل باشد. بخاطر منافع کوتاه مدت نباید صلح پایدار را قربانی کنیم، این کار باعث می‌شود که خشونت‌های گذشته به صورت گسترده دوباره تازه شوند و نسل‌های حال و آینده به بدبختی و ویرانی مواجه شوند. ما باید به جنگ جاری نقطه پایان بگذاریم.

از فبروری ۲۰۱۸ بدینسو، به صورت مشخص چند هفته قبل از کنفرانس جنیوا ما بر اساس مشورت‌ها با اقشار مختلف استراتیژی صلح دوباره ساختیم. در هشت ماه گذشته با اقشار مختلف جامعه - زنان، جوانان، باشندگان شهرها و قریه جات، جامعه مدنی، رهبران سیاسی پیشین و حال و همچنان نخبگان کشور، نشست‌های مشورتی داشتیم. هر قشر دیدگاه خاص دارد، اما نکات مشترک آنان به شرح زیر بیان می‌شود:

1. اجماع بالای اهمیت و اعتبار قانون اساسی ۲۰۰۴
2. شراکت اساسی ما با جامعه جهانی
3. مالکیت و رهبری پروسه صلح باید به دست حکومت افغانستان باشد.

در جریان این مشوره‌ها مردم ابراز تشویش و ترس هم کردند. بسیاری از این نگرانی‌ها در رابطه به شایعاتی در رسانه بود که گویا قانون اساسی زیر پا می‌شود و حکومت موقت ایجاد می‌گردد، حقوق اتباع به خصوص حقوق زنان قربانی می‌شوند و جامعه جهانی نسل جوان افغانستان را تنها می‌گذارد، نسلی که در تاریخ معاصر افغانستان مهمترین و تاثیرگذارترین نسل حساب می‌شود.

من این امیدواری‌ها و نگرانی‌های این چینی را شنیدم، و بار بار برایم ثابت گردید که افغان‌ها ارزش و بهای آوردن صلح را می‌دانند. افغان‌ها از لحاظ احساسی و ذهنی آماده هستند تا گذشته را فراموش و آینده بهتر را از آن خود کنند، و این تصمیم قاطع من و حکومت را قویتر می‌سازد تا مالکیت و رهبری صلح را به عهده گیریم.

در کنار این موضوع؛ جامعه ما امیدواری جدی دارد تا جامعه جهانی در پروسه صلح نقش سالم داشته باشد، که مشمول کشورهای اسلامی و عربی، همسایه‌های منطقوی ما و سازمان‌های جهانی است. برای رسیدن به صلح پایدار ما نباید تجربه سال ۱۹۹۲ را تکرار نمائیم، در آن ما بجای ثبات و امنیت شاهد منازعات گسترده بودیم که در اثر آن سرمایه انسانی، اجتماعی و اقتصادی ما به بربادی مواجه گردید. افغان‌ها بار دیگر مهاجرت نمی‌کنند. ما اجازه نمیدهیم که دست‌آوردهای ما قربانی تصامیم عجولانه و بی‌پرواهی گردد. ما برای یک دیدگاه واضح و مسیر متمرکز برنامه مشخص داریم تا از قربانی‌های نیروهای امنیتی و دفاعی خود نمایندگی کنیم و آرزوهای مردم خود را منعکس بسازیم.

حالا می خواهیم بیان کنیم که ما چگونه پروسه صلح را رهبری می کنیم و در حال حاضر در کدام مرحله قرار داریم. دیدگاه ما برای صلح بر احکام الله ج استوار است، خداوند متعال در آیه ۳۴:۴۱ می فرماید:

**"هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!"** (ترجمه دری آیه مبارک)

پروسه کابل این دیدگاه را در سطور خاص بیان می نماید و یک راهکار جامع بدست می دهد. ما در ماه فیبروری شش نکته را برای صلح و ثبات پیش نمودیم، اجازه دهید تا تلاش های نامبرده را به صورت مختصر به شما بیان نمایم.

1. در جریان عید سعید فطر هنگامی که به طالبان پیشنهاد صلح نمودیم، به صورت بی پیشینه حمایت جهانی و دیپلماتیک به دست آوردیم. ناتو در نشست ماه جولای از پیشنهاد صلح ما و در ماه جون از آتش بس اعلام حمایت کرد. ما از تمام شرکای بین المللی خود، بخصوص ایالات متحده امریکا بخاطر حمایت سیستماتیک از پروسه کابل، تشکر می نمایم. از تمامی شما هم بخاطر اینکه صلح را که قبلاً بخش از تعهدات متقابل توسعه بود، به یک بخش اساسی این کنفرانس مبدل ساختید، تشکر می کنم. همچنان می خواهیم از چین، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و هندوستان ابراز امتنان نمایم که با ما در سطوح مختلف (نشست های دوجانبه، سه جانبه و چند جانبه) در رابطه به گفتگوهای صلح تلاش های جدی نمودند.

2. از ازبکستان بخاطر برگزاری کنفرانس تاشکند که تلاش های این کشور و سازمان های منطوقی را با پروسه کابل موازی ساخت، تشکر می کنیم. تاشکند یک مثال اصل بین المللی مساوات کشورهای مستقل است، که نشست متذکره از سوی افغانستان برگزار و از طرف ازبکستان و افغانستان میزبانی گردید. ثبات، امنیت و رفاه افغانستان در این نشست نهفته است تا استقلالیت افغانستان و مالکیت و رهبری افغانستان در پروسه صلح رعایت گردد.

3. از اجماع و همکاری جامعه اسلامی بخاطر این که مشروعیت مذهبی جنگ جاری بدون مرز را سلب کرد، ابراز امتنان می نمایم. از حکومت اندونیزیا که نشست علمای افغان، پاکستانی و اندونیزیایی را در ۱۱م ماه می سال جاری راه اندازی کرد و به لحاظ شرعی علیه جهاد گمراه، تشدد در مقابل افراد ملکی و حملات انتحاری فتوا داد، و این اعمال را خلاف اصول دین مبین اسلام دانست. از سازمان همکاری های اسلامی تشکر می کنیم. تقریر علما در کنفرانس اندونیزیا، مفتی های برجسته در سازمان همکاری های اسلامی، امامان مکه مکرمه و مدینه منوره و حمایت خادم حرمین شریفین

سلمان بن عبدالعزيز آل سعود باعث گردید که مشروعیت و توجیه دینی جنگ را نفی کند. تروریستان اشتباهاً دعوی جهاد می کردند و کشورهای که از آنان پشتیبانی می کنند، رسوا گردیدند.

4. ما خواستار یک تلاش هماهنگ جهانی شدیم، تا پاکستان برای مذاکرات جامع دولت به دولت ترغیب گردد و از پیشنهاد صلح افغانستان با طالبان، حمایت کند. خواست ما حالا شنیده شده است و تلاش های جهانی جریان دارد. مذاکرات دولت به دولت ما روی کاغذ به یک نتیجه رسیده است و توافق پلان عمل صلح و همبستگی افغانستان - پاکستان به میان آمده است، اما پیشرفت ها در عمل صفر است. از توافق به سوی عمل حرکت وجود ندارد.

5. و، عناصر پنجم و ششم عبارت اند از خواست های ما مبنی بر حمایت در تطبیق موافقتنامه صلح و حمایت از ابتکارات ما در تحکیم صلح از طریق تجارت، ترانزیت و سرمایه گذاری و همچنین حمایت از آجندای اصلاحات و استراتژی مبارزه با فساد حکومت در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹، میباشند.

روی این نکات دوباره برخوایم گشت، اما خوشحالم که در این کنفرانس برای یک مذاکرات موثر زمینه مساعد گردیده است، تا بتوانیم فعالیت های انجام شده خویشتن را بیشتر تقویه نمائیم، ما به این باور هستیم که دید ما برای صلح با طالبان به مهربانی، باور و دلاوری نیاز دارد.

آتش بس عید سعید فطر در سال 2018 بیان گر باور و عقیده علما، شهامت نیروهای امنیتی و دفاعی و مهربانی مردم، بود.

گردهم آمدن 2906 عالم دین و ایراد فتوا در رابطه به اهمیت صلح، خلاف شریعت دانستن جنگ برای حل معضلات میان مسلمان یک امر بی پیشینه می باشد. علمای متذکره از حکومت و طالبان خواستار اعلام آتش بس شدند.

استعجالیت حقیقی حکومت برای رسیدن به صلح به ما این جرات و باور را داد که چهار روز بعد از فتوای علما خواستار آتش بس شویم. منطق علما به اندازه قوی بود که طالبان نیز به این آتش بس جواب مثبت دادند و آتش بس را قبول کردند. به جز چند حادثه کوچک، آتش بس در فضای صلح آمیز تطبیق شد.

در جریان این آتش بس، مهربانی و تحمل افغان ها فرضیه سیاسی و نظر ما را در مورد خود تغییر دادند و ما را به آینده امیدوار ساختند. بیش از سی هزار طالب که اکثرشان جوانان بودند، به شهرها آمده با هموطنان خود گفتگوهای جدی داشتند، با نیروهای مسلح حرف زدند، با فعالین حقوق زنان بحث کردند، با برادران مسلمان خود در مساجد نماز ادا کردند، با مقامات دولتی و اقشار مختلف جامعه طعام صرف کردند.

کودکان افغان پس از 39 سال یک عید واقعی داشته و برای تفریح به بیرون رفتند و با دوستان و خویشاوندان خود دیدار کردند.

### آتش بس سه نکته برجسته داشت:

1. با وجود یک هزار تن تلفات در هفته قبل از آتش بس، جامعه افغانستان در جریان آتش بس حوصله مندی و ضرورت رفتن به سوی یک آینده درخشان را به اثبات رسانید، نه اینکه در قید گذشته بماند.
2. ادعای معمول این بود که جنگجویان طالب هرگز به صلح تن نخواهند داد، ثابت شد این ادعا غلط است و در جریان آتش بس طالبان مکرراً گفتند که از جنگ و خشونت خسته شده اند.
3. نیروهای امنیتی و دفاعی ما قبل و بعد از آتش بس قهرمانی و شجاعت نشان دادند. آنان ثابت ساختند که حافظان واقعی امنیت و ثبات افغانستان هستند و به راهنمایی های رهبر منتخب خویش و سرقومندان اعلی، متعهد بوده و خواهند بود.

اجازه دهید تا در رابطه به نیروهای امنیتی و دفاعی خویش چند نکته را بیان کنم.

وطندوسی و قربانی های آنان حس وطندوسی را در کشور تقویت نموده است. من منحيث سرقومندان اعلی به نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان افتخار می کنم. در گذشته، رهبران نیروهای امنیتی و دفاعی را به حیث نیروهای اجیر می شناختند، در چهار سال گذشته این رویه تغییر کرده و حالا قوای امنیتی و دفاعی با اعتماد ترین نهاد حکومتی شناخته می شود. افغان ها به آنان افتخار می کنند.

در اول جنوری سال 2015 نیروهای امنیتی و دفاعی ما مسئولیت تضمین آزادی ما و تامین امنیت جهانیان را بر عهده گرفته و در خط نخست مبارزه با تروریسم حاضر بودند. از سال 2015 بدینسو تلفات نیروهای بین المللی 59 تن بوده و از سال 2001 الی 2014 تلفات نیروهای بین المللی 2744 تن بوده است، اما از جنوری 2015 تا اکنون افغان ها 28529 تن از پسران و دختران شان را در جنگ ها از دست داده اند.

این ها تنها ارقام نیستند. آنان جان ها شیرین شان را از دست داده اند، اکثر آنان نان آوران خانواده های شان بودند، آنان افتخار ملت هستند. من آرام نخواهم گرفت و نخواهم گذاشت که یک نسل دیگر افغان ها قربانی جنگ شود. یک بار دیگر می خواهم تکرار کنم که صلح اولویت ماست.

از نیروهای حمایت قاطع بخاطر همکاری با نیروهای ما، تشکر می کنم. آنان به نیروهای ما مشوره می دهند و از آنان پشتیبانی می کنند. اما این باید واضح باشد که جنگ را افغان ها به پیش می برند و قربانی هم می دهند، نه

تنها برای حفاظت از نظام استوار بر قانون اساسی، استقلالیت، وحدت ملی و زندگی افغان ها، بلکه در خط نخست مبارزه با تروریسم می جنگند تا جهان را از تهدید تروریسم در امن نگهدارند.

از سوی یک ملت، کشور و دولت بخاطر حرمت گذاشتن به شهدای نیروهای امنیتی، تلفات نیروهای بین المللی و شهادت افراد ملکی خواستار چند لحظه سکوت، هستیم. **ده ثانیه سکوت**

تشکر. دوام فعالیت های نیروهای امنیتی و دفاعی و خدمات ملکی مطابق قانون برای صلح پایدار و امنیت، ضروری می باشد.

## ماهیت و ابعاد جنگ

استعجالیت حقیقی از یک سو نیازمند تمرکز استراتژیک واضح، بحث منطقی، تفکر توأم با خون سردی و مذاکرات جامع بوده، از سوی دیگر همه روزه موج حملات بالای مردم، نهادها، سرمایه ها و ظرفیت های ما، شدید، دوامدار و ترسناکتر می شود. جنایاتی که قابل ذکر نیست، بر افغان ها صورت می گیرد.

جنگ تحمیل شده بر جامعه ما را می توان یک جنگ بی سرحد نامید. هیچ بخشی از زندگی ما از حملات مصئون نمانده است. جاده ها، شفاخانه ها، مساجد، پوهنتون ها، مراکز تجارتي، ورزشگاه ها و مکاتب ما همواره مورد حمله قرار میگیرند.

حملهٔ اخیر در 22 نوامبر، تمام حدود را شکست. یک نشست بزرگ علما به مناسبت مولود شریف که مردم در آنجا قرآن کریم تلاوت می کردند، مورد حمله یک فرد انتحاری قرار گرفت.

انجام این چنین جنایت واضح می سازد که جنگ تحمیل شده بر ما، تمام حدود انسانی را شکستاده و پیام صلح و تحمل تمام ادیان به خصوص حضرت محمد ص را زیر پا گذاشت.

**این یک جنگ بی سرحد و اعلام نشده است. این جنگ در حال تحول چهار بعد دارد:**

1. پس از آن که القاعده در دهه ۱۹۹۰ به کشور ما حمله کرد، شبکه های تروریستی فرامرزی، ما را مورد هدف قرار دادند. نریتیف آنان اینست که از طریق تباه ساختن جامعه و دولت افغانستان، در سطح جهانی، خود را به اهداف تروریستی و ویرانگر برسانند. آنان هیچ چیزی برای افغانستان ندارند. آنان از موقعیت استراتژیک ما استفاده کرده تا در منطقه و جهان فاجعه به میان آورند. هدف این شبکه های تروریستی افغانستان نه، بلکه مکانی مناسب برای اجرای فعالیت های تروریستی شان میباشد. متأسفانه به همین دلیل گمراهان از سراسر جهان به اینجا میآیند و هرج و مرج را با خود به جامعه ما میاورند.

2. **عامل دوم جنگ**، سازمان های جنایتکار فرامرزی اند. همانطوری که قاچاقبران کوکائین در کولمبیا به اختلافات دامن میزنند، قاچاقبران هروئین هم عاملان بی ثباتی و جنگ در کشور ما هستند. تریاک افغانستان در سال ۲۰۱۷ برای دهاقین ما ۱،۴ میلیارد دالر عاید داشته و این عواید در سال 2018 برای دهاقین افغان 0،6 میلیارد دالر محاسبه شده است. درحالی که ارزش همین تریاک در کوچه های روسیه، اروپا، استرالیا و کانادا به صدها میلیارد دالر می رسد. این ناکامی مجموعی ما است که نتوانسیم یک تحول زارعتی را در افغانستان به میان آوریم و این نه تنها باعث تداوم فقر و نامساوات شده بلکه برای سازمان های جنایتکار فرامرزی زمینه سو استفاده از وضعیت دهاقین افغان را فراهم ساخته است.

3. **بعد سوم**، عدم عملکرد شماری از همسایه گان به خصوص یک همسایه است، که بر اساس منشور سازمان ملل متحد وجبیه خود را در مقابل تروریزم انجام نداده اند. متأسفانه، تلاش های حکومت افغانستان در مقابل حملات و تشدد طالبان بخاطر تامین امنیت اتباع، از سوی همین همسایه به چالش کشیده شده است. باوجود این هم، نیروهای امنیتی و دفاعی افغان با طالبان مبارزه می کنند و شبکه های را که بالای افغان ها حمله ور می شوند، از بین می برند، شماری از کشورهای همسایه ما همکاری لازم را در زمینه کاهش و از بین بردن توانایی طالبان در راستای استخدام، آموزش و حمایت جنگجویان در داخل افغانستان انجام نداده اند. در صورتی که جنگ افغانستان تنها بعد داخلی می داشت، بسیار وقت پیش این جنگ تمام می شد. ما مکرراً بیان کرده ایم که روابط ما با همسایه ها بر سه بعد استوار باید باشد: 1) از میان بردن لانه های جنگ در منطقه، 2) ایجاد روابط نورمال میان تمام کشورهای همسایه بر اساس همکاری، 3) توافق روی یک چارچوب برای مبارزه با تروریزم.

4. **عامل چهارم جنگ**، طالبان افغان هستند. آنان اصلاً افغان هستند، از همین رو منحیت حکومت و دولت مشکلات خود را در میان خود مورد بحث قرار می دهیم، تا اختلافات خود را از میان برداریم و ارزش ها و اهداف مشترک مان را با جبین باز بپذیریم. بر اساس همین بستر، ما بخاطر صلح با طالبان افغان پیشنهاد مذاکرات بدون قید و شرط کردیم. استدلال ما اینست که طالبان برای سه عامل دیگر جنگ زمینه فعالیت را فراهم ساخته اند، تا به جنگ بی سرحد شان ادامه دهند. سوال ما از طالبان اینست که: آیا می خواهید قربانی این سه عنصر متذکره شوید، برادران و خواهران افغان تان را بکشید، و خود شما هم در راه تطبیق اجندا و مفاد دیگران کشته شوید؟ تحقیقات علمی نشان میدهد که اگر طالبان به قدرت هم برسند، پاکستان مداخله اش را در افغانستان متوقف نخواهد کرد. برعکس، رهبران پاکستان بار ها گفته اند که اگر حکومت افغانستان به دست طالبان بی افتد، برای پاکستان مشکلات بیشتر را به بار میاورد. برای طالبان پیامی واضح دارم — طالبان در این مرحله انتخاب واضح دارند، که ما برای شان واضح می سازیم — یا کردار همانند افغان ها

اختیار کنید، فریب عناصری را نخورند که برای آینده جمعی ما به عنوان یک ملت هیچ دیدگاهی ندارند و به عزت، آزادی و استقلالیت ما احترام نمی‌گذارند.

## مذاکرات صلح با طالبان

راهبرد ما برای آینده چیست؟

برای پایان بخشیدن به این جنگ بی سرحد، ما باید بر بعد ملی و منطقه‌یی - کشورهای اسلامی - کار کنیم و عوامل جنگ را از میان برداریم. باور، مهربانی و شجاعت ما نسبت به صلح با طالبان پس از پیشنهاد ماه فبروی و اقدامات بعد از آن که قبلاً ذکر کردم، واضح است.

در این جا من می‌خواهم چند نکته را در رابطه با طرز تفکر ما نسبت به مذاکرات با طالبان، برخی از تصامیم در این زمینه و چگونگی پیشبرد این روند را با شما شریک بسازم.

**ابتدا** خوشحالم که اعلام می‌کنم تیم دوازده نفری مذاکره کننده به ریاست سلام رحیمی رئیس دفتر ریاست جمهوری، آماده است. رحیمی گذشته جهادی دارد و صاحب تجربه در جامعه مدنی می‌باشد. در این تیم زنان و مردانی مشمول هستند که تجربه حل مشکلات مهم صلح به خصوص صلاحیت تطبیق یک پلان عملی و با اعتبار را دارند.

**دوم** برای اطمینان اجماع و جهت دادن به تیم مذاکره کننده، همچنان ایجاد یک گروهی از افراد متنوع را اعلان می‌کنم که من حیث بورد مشورتی رئیس جمهور کار کرده و به شکل یک آدرس مشخص، در جریان مذاکرات صلح در مورد موضوعات حساس به رئیس جمهور مشوره می‌دهند.

**سوم**، به اساس خواست شورای عالی صلح و حکومت، بر ساختار شورای متذکره تجدید نظر می‌شود تا بر آگاهی عامه تمرکز کرده و در مراحل بعد از توافق صلح به حکومت مشوره بدهد.

**چهارم**، اجازه بدهید تا طرح و جهت را به خاطر صلح برای تان واضح سازم. هدف ما اینست تا لست مسائل اساسی طالبان و حکومت را ترتیب نمایم و بعداً این مسائل را در یک فهرست بر اساس اولویت ها طبقه بندی کنیم. سپس، هر یک از این موضوعات اساسی را به کمیته مشترک طالبان و حکومت سپرده، هردو جانب مذاکره کننده و آئنده از افغان های که در همان موضوع تخصص داشته باشند در کمیته شامل می‌شوند. تیم های مذاکره



طرفین، طالبان و حکومت افغانستان، بالای موضوعاتی تمرکز خواهند کرد که ما را از هم جدا می سازد و نیاز به حل شدن دارند.

1. طبعاً که مذاکرات در چند مرحله صورت می گیرد، پیشنهاد ما این است که تسلسل زیر در نظر گرفته شود.

(a) مرحله اول بین الافغانی خواهد بود، که شش نکته مرتبط به صلح در نظر گرفته می شود.

(i) چارچوب سیاسی صلح واضح گردد: آتش بس صورت گیرد، طالبان منحیث یک حزب سیاسی به رسمیت شناخته شوند، ترتیب اعتمادسازی روی دست گرفته شود و برای راه اندازی یک انتخابات شفاف و عادلانه زمینه مساعد گردد.

(ii) چارچوب حقوقی برای صلح وضع گردد: در صورتی که خواست برای تعدیل قانون اساسی وجود داشته باشد، این پروسه بر اساس راه های پیشبینی شده در قانون اساسی، صورت خواهد گرفت، عدالت وضع شود، شکایات رفع شوند، قوانین و فرامین به میان آیند و برای آزادی زندانیان و خروج از لست تحریم ها، راه های قانونی تعقیب شوند.

(iii) دولت افغانستان سازماندهی دوباره شود: به حاکمیت قانون احترام گذاشته شود، راه برای اصلاحات هموار گردد و برای انکشاف متوازن و برگشت مهاجرین و بیجاشدگان داخلی اقدام روی دست گرفته شود.

(iv) صلح و امنیت: برای امنیت تمام اتباع به خصوص امنیت طالبان آشتی پذیر، تدابیر اتخاذ گردد.

(v) برنامه ها برای رشد اقتصادی و اجتماعی تطبیق شوند: انکشاف همه شمول و پایدار، مساعد ساختن زمینه دسترسی مساوی به دارایی های عامه و زمین، مبارزه علیه فساد، ایجاد اشتغال به سطح ملی و اسکان مهاجرین و جنگجویان اسبق در پروگرام های ملی.

(vi) شراکت با جامعه بین المللی و به دست آوردن حمایت آنان: با به دست آوردن حمایت مالی دیپلماتیک، در بخش های روشن ساختن سرنوشت جنگجویان خارجی و بیرون ساختن نام افغان های که با پروسه صلح یکجا می شوند از لست ها، همکاری به دست بیاید.

(b) **مرحله دوم**، مذاکره مشترک با پاکستان، ایالات متحده امریکا و ناتو می باشد. روابط میان افغانستان، ناتو و امریکا بر اساس موافقتنامه های دو جانبه استراتژیک و امنیتی و همچنان موافقتنامه وضعیت نیروها، ایجاد شده است. موافقتنامه های متذکره سندهای علنی می باشند، که از سوی لویه جرگه و پارلمان مورد تصویب قرار گرفته اند. اما، روابط میان طالبان و پاکستان در پشت پرده است. اصول استقلال و عدم مداخله در امور کشورها در میثاق سازمان ملل متحد درج گردیده است. این روابط باید واضح باشد.

- (c) **مرحله سوم** اشتراک کشورهای منطقه مثل چین، هندوستان و کشورهای همسایه می باشد.
- (d) **مرحله چهارم** بدست آوردن حمایت کشورهای عرب-اسلامی به شمول اندونیزیا، امارات متحده عربی و عربستان سعودی می باشد.
- (e) **مرحله پنجم**، حصول حمایت ناتو و کشورهای که شرکای انکشافی ما باقی مانده اند و در میدان جنگ و در بخش انکشافی از ما حمایت کرده اند.
- (f) **نتیجه** این راهکار مرحله وار این خواهد بود که با هر طرف ذیدخل در زمان مناسب تعامل صورت می گیرد.

2. بخاطر ابراز تعهد حکومت افغانستان ما سه اقدام را پیشنهاد می نمائیم:

1. تطبیق توافقنامه صلح بر اساس تقسیم اوقات تعیین شده صورت خواهد گرفت.
  2. بخاطر این که تعهد واقعی حکومت را به صلح نشان بدهیم، همزمان با آغاز مذاکرات برای اعتماد سازی اقدامات صورت خواهد گرفت. پیشنهاد ما این است که بسیاری از اقدامات در آغاز انجام شود، برای این نیاز به اراده سیاسی است.
  3. در جریان بحث ها روی یک میکانیزم بخاطر تصویب توافقنامه صلح به سطح ملی، موافقه صورت خواهد گرفت. این میکانیزم می تواند از سوی یک نهاد مشخص مانند پارلمان یا لویه جرگه در مطابقت با قانون اساسی و یا هم همه پرسی، به تصویب برسد.
- حالا، سوالی که بسیاری وقت ها پرسیده می شود، در مورد ارتباط میان صلح و انتخابات ریاست جمهوری، است. اجازه بدهید تا مستقیماً به عمق این موضوع بروم - برای تصویب توافقنامه صلح، عملی کردن آن و برای رهبری مصالحه اجتماعی به یک حکومت منتخب نیاز است. به یقین کامل گفته می توانم که هر حکومت دیگری در ماه های اخیرش، از درگیر شدن در موضوع حساسی چون صلح، انکار می ورزید. من و داکتر عبدالله آوردن صلح را هدف انتخاباتی خود تعیین کرده بودیم و احساس می کنیم که این وظیفه و مسئولیت ماست تا برای رسیدن به این آرمان ملی تا آخرین لحظات این دور حکومت، تلاش نمائیم.
- اما می خواهیم به وضاحت بگویم که تطبیق پروسه صلح ممکن و همچنان استقرار دوباره 4 میلیون افغان مهاجر در پاکستان و ایران، حد اقل به پنج سال زمان نیاز خواهد داشت.

باید فراموش نکنیم که 40 درصد افغان‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند و تغییرات محیطی و خشکسالی زندگی مردم ما را متضرر ساخته و سرمایه‌های طبیعی ما را با نابودی روبرو کرده است. -چراه گاه‌ها، رودخانه‌های آبی و دیگر منابع طبیعی ما به شدت با نابودی روبرو اند.

با توجه به اجماع ملی در رابطه به صلح، من مطمئنم که کاندیدان پیش‌تاز ریاست جمهوری با ما یک‌دست خواهند شد تا به یک توافق صلح برسیم. انتخابات ریاست جمهوری برای یک بحث ملی حقیقی بالای صلح بستر مناسب ایجاد می‌کند تا جنگ ختم گردد و یک صلح پایدار بیاید.

## اجماع منطقی

همانطوری که ما 39 سال در جنگ سپری کرده ایم و 4 میلیون افغان در کشورهای همسایه مهاجر اند، صلح در افغانستان به تجدید اجماع منطقی نیاز دارد.

پس از حادثه یازدهم سپتامبر، برای یک افغانستان با ثبات اجماع منطقی به طور فوری ایجاد گردید. اما امروز اجماع منطقی باید تجدید شود، زیرا بعضی از بازیگران منطقه، به ما به دیده بخشی از بازی شطرنج با رقیبان شان، می‌نگردند و یا در رابطه به ثبات افغانستان مطمئن نیستند. استدلال ما این است که همکاری‌های منطقی، ثبات و ترقی نیازمند یک افغانستان با ثبات می‌باشد.

1. نخست، ما باید تفکری را که افغانستان ساحه خطر و میدان جنگ‌های نیابتی است، مبدل به این کنیم که افغانستان بر اساس موقعیت و فکر استراتژیک بستر همکاری است. افغانستان چهارراه تبادلہ معلومات، محصولات و ایده‌ها است. ما در پنج سال گذشته نظریات سازنده‌ی ارابه و تعقیب نمودیم و برای همسایه‌های مان در عمل نشان دادیم که نفع همکاری‌ها نسبت به رقابت بیشتر است. این نظر را در کنفرانس شانگهای ارائه کردیم و خوشبختانه به شمول هندوستان، چین و ازبکستان بسیاری از رهبران این نظر را تأیید کردند.

2. تغییر این تفکر باید سبب تغییر پالیسی نیز گردد. روابط ما با ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجکستان و آذربایجان نشان داد که تغییر پالیسی‌ها راه را برای همکاری‌های اقتصادی هماهنگی‌های حکومتی، هموار ساخت. به دلیل همین تغییر تفکر و پالیسی، افغانستان امروز یک شریک اساسی

آسیای مرکزی است. ایجاد دهلیزهای هوایی با هندوستان، چین، ترکیه و اروپا مثال دیگر است که ثابت می‌سازد که تغییر پالیسی‌ها چگونه منافع مشترک و پایدار را تثبیت می‌کند.

3. سوم، ما به تاکید با تمام همسایه‌های مان خواهان صلح هستیم. ما هرگز همسایه‌های مان را به تهدید مواجه نکرده ایم - در این کار منافع ملی ما نهفته نیست. برعلاوه، بدون راه افغانستان روابط اقتصادی میان آسیای مرکزی و جنوبی تامین شده نمی‌تواند.

4. چهارم، ما خواهان یک تایید و تضمین هماهنگ به سطح منطقه در رابطه به صلح با طالبان، هستیم.

5. پنجم، به نظر ما، نیاز است تا روی موضوعات امنیت، مبارزه با تروریسم و مقابله با مواد مخدر در سطح منطقه توافق صورت گیرد و ابزارهای مناسب سازمانی برای حصول اطمینان از توجه دوامدار و منسجم به تأمین امنیت جمعی و رفاه ما، به میان آید. محیط زیست منطقی بر اساس سرحدات سیاسی به پیش نمی‌رود. مدیریت آب به نفع همه ماست. ما پیشنهاد می‌نمائیم که برای رسیدگی به حوادث طبیعی و منابع طبیعی مانند جنگلات و حفاظت آبها، یک هماهنگی داشته باشیم.

## اجماع جهانی

می‌خواهم از کمک‌های جامعه جهانی برای افغانستان پس از حادثه یازدهم سپتامبر تشکر نمایم. قربانی‌های انسانی و مالی شما با ما کمک کرد تا، ذریعۀ لویه جرگه 2002 و لویه جرگه قانون اساسی سال 2004 به آرمان‌های مان برسیم

بعضی از رهبران افغان فرصت طلایی حمایت جهانی را ضایع کردند، اقدام به تقویت همکاری‌ها نکردند و به آرمان‌های مردم توجه صورت نگرفت. این که چرا، تاریخ قضاوت خواهد کرد. حکومت وحدت ملی باوجود چالش‌های بسیار و جنگ‌های شدید، توانست چالش‌ها را شناسایی و بر اساس اجماع ملی به این چالش‌ها راه حل جستجو کند و به پیش برود. برای این که به هدف مشترک صلح برسیم، ما برای شرکای بین‌المللی خود پنج ساحه را پیشنهاد می‌نمائیم تا بر آن تمرکز صورت گیرد.

1. اول به نقش حمایتی خود به رهبری ما ادامه بدهید. ما نه تنها مشکلات خود را شناسایی کرده ایم بلکه رهبری، ظرفیت، قضاوت و استقامت خود را هم نشان داده ایم و در بسیاری آزمون‌ها از مسیر و اولویت‌های خود روگردان نشده ایم. صلح امر ملی ماست و ما برای ادای رهبری و مسئولیت خود به هرنوع قربانی حاضر هستیم.

2. BSA و SOFA قراردادهای اند که از سوی یک حکومت مستقل افغانستان با ایالات متحده امریکا و ناتو به امضا رسیده است. بحث‌ها در مورد این قراردادها و هرنوع تغییر و مذاکرات در این قراردادها

تنها بر اساس توافق طرفین صورت می‌گیرد. قوای مسلح ما قربانی‌های بی‌حد داده‌اند، آنان به وضاحت نیاز دارند تا مطمئن شوند که ظرفیت و توانایی‌های آنان ضایع و به خطر مواجه نمی‌شوند.

3. حقوق استقلال اساس نظام جهانی کنونی است. حکومت وحدت ملی براساس یک اجندای واضح و سیستماتیک اصلاحی، به پیش می‌رود. دستاوردها و گامهای اخیر این اجندای اصلاحی را با شما در نشست‌های حاشیه‌یی و نشست عمومی شریک می‌کنیم. با در نظرداشتن حقوق استقلال، نیاز به هماهنگی و بحث مشترک درمورد صلح است. در این حالت نقش دوگانه قابل پذیرش نیست. هر نوع نقض استقلالیت ما با عکس‌العمل شدید مردم ما که در طول تاریخ از دوستی استقبال کرده‌اند، اما در مقابل تهاجم و تجاوز به هر قیمت ایستادگی کرده‌اند، مواجه خواهد شد.

4. ما باید گفتگوهای را آغاز کنیم که در نتیجه آن جامعه جهانی از تفاهم صلح میان حکومت و طالبان حمایت کند. تحمیل شدن جنگ بی‌سرحد و ماهیت چند بعدی جنگ در افغانستان ما را وادار به تفکر عمیق و استعمال بهترین مهارت‌های دیپلماتیک میسازد تا در یک چهارچوب مشخص به نتیجه تضمین آینده افغانستان و حفظ بی‌طرفی برسیم. برای محو تهدیدات سازمان‌های بین‌المللی تروریستی به تلاش‌های هماهنگ شده نیاز است تا اطمینان حاصل نماییم که قربانی‌های مالی و جانی همکاران بین‌المللی ما ضایع نمی‌گردد.

5. برای رسیدن به صلح پایدار به پیشنهادات و حمایت همکاران بین‌المللی نیاز است. موافقت روی یک سلسله پیشنهادات که از جانب ما و یا بدیل این پیشنهادات در موفقیت پروسه صلح کمک خواهد کرد. ساعه‌ای که ما نیاز به حمایت بیشتر داریم، نیازمندی‌های افغانستان بعد از تفاهم صلح است.

ما در نشست عمومی روی این موضوع خواهیم پرداخت که افغانستان تا اختتام دهه تحول، سال 2024 به تطبیق و تعقیب نقشه خودکفایی متعهد است. خوشبختانه منابع طبیعی افغانستان قابلیت به خودکفایی رسانیدن افغانستان را دارد. به همین دلیل تاکید ما روی جلب کمک‌ها نیست بلکه بر تغییر روش این کمک‌هاست تا موثریت و شفافیت بیشتر گردد و اتصال منطقه‌یی به میان آمده و تجارت، ترانزیت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی بیشتر گردد. برای آوردن صلح پایدار به اقتصاد متحرک نیاز است تا برای انکشاف همه‌جانبه و محو فقر زمینه مساعد گردد.

جذب جنگجویان سابق، کمک به طالبان برای مبدل شدن به یک حزب سیاسی و ایجاد میکانیزم‌ها برای تشویق آنها و اقدام برای اعتماد سازی، موارد اساسی صلح واقعی است.

صلح و آشتی یک پروسه اجتماعی است تا همدیگر را با صداقت بپذیریم. در چهارچوب حقوق و وجایب قانون اساسی پروسه ملت‌سازی به صورت متساوی، نیز به توجه ما ضرورت دارد.

برای رفتن از پراکندگی، جنگ و فساد به سوی ثبات و امنیت، شامل شدن و اشتراک جوانان و زنان افغان در این روند حیاتی می باشد. میلیون ها شهروند افغانستان امروز در ترس زندگی میکنند و باید به سوی امیدواری سوق داده شده و فرصت های سرنوشت ساز را ایجاد نماییم.

من امید دارم و دعا میکنم تا ما بتوانیم دیدگاه صلح را به عمل مبدل سازیم و صلحی با اعتبار و پایدار را تضمین کنیم. ما به حمایت شما نیاز داریم و از شما بخاطر همکاری تان تشکر میکنیم.